

حوادث۱۹جاذبه

تلنگر

ناپدید شدن مرموز مادر محیط زیست

زن مهابادی که به مادر محیط زیست معروف شده است، بعد از خروج از خانه‌اش ناپدید شد و تلاش‌ها برای یافتن او بی‌نتیجه مانده است.
فرید صدقی، از مسوولان باشگاه کوهنوردی به جام جم گفت: خدیجه خدیر، کوهنورد و فعال محیط زیست است که از او به عنوان مادر محیط زیست در مهاباد یاد می‌شود. او ساعت ۹ صبح یازدهم دی امسال از خانه‌اش خارج شد.

خانواده‌اش گمان می‌کردند او برای کوهپیمایی یا پیاده‌روی رفته است، زمانی که روز بعد بازنگشت موضوع را به هیات کوهنوردی اطلاع دادند. این زن کوهنورد در زمینه پاکسازی زباله‌ها در مسیرهای محیط زیستی و کوهستان فعالیت داشت.

وی افزود: او مدتی بود به خاطر مشکل در پایش از سوی پزشک معالجش از کوهپیمایی منع شده بود. او چهارشنبه از خانه بیرون، ابتدا نزد پزشک معالجش و بعد ساعت ۱۱ همان روز به مغازه مسوول کمیته محیط زیست کوهنوردی رفت و بعد از خروج از آنجا ناپدید شده است. خانواده‌اش گم شدن او را که زن ۶۸ ساله‌ای است پنجشنبه به ما اطلاع دادند که من همراه حدود ۷۰ کوهنورد مسیریایی که احتمال کوهپیمایی و پیاده‌روی او بود را جست‌وجو کردیم اما ردی از او به دست نیامد. خانواده‌اش موضوع را به پلیس اطلاع دادند.

دستگیری سارق ۶ میلیاردی

در فرودگاه مهرآباد

کارمند بانک که شش میلیارد تومان از حساب یکی از مشتریان سرقت کرده بود، در فرودگاه مهرآباد دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۱۶ مرداد امسال و با شکایت مشتری یکی از بانک‌های تهران در اداره سیزدهم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد. شاکی که شش میلیارد تومان از حسابش برداشت شده بود به کارآگاهان گفت: دارای گواهی سپرده بانکی به میزان ۶۰ میلیارد ریال بودم و ماهانه مبلغی بابت سود سپرده به حسام واریز می‌شد، اما در خرداد ماه واریزی به حسام نداشتم و با توجه به عدم‌اریز سود متوجه شدم گواهی سپرده‌ام ابطال و برای حسام کارت صادر شده و موجودی حسام از طریق خرید در پایانه‌های فروشگاه‌ای در سطح کشور برداشت شده است.

پس از این شکایت، کارآگاهان در گام نخست، صاحبان فروشگاه‌هایی را که از آنها خرید صورت گرفته بود، شناسایی کرده و با بررسی دوربین‌های مداربسته آنجا، چهره مردی که با کارت بانکی خرید کرده بود را به دست آوردند. با تطبیق تصویر متهم با کارمندان بانک صاحب حساب شاکي، کارآگاهان دریافتند که متهم یکی از کارمندان بانک به نام امیر ۴۰ ساله است. ماموران راهی خانه متهم شده، اما او خانه‌اش در تهران رازتک کرده بود.

مخفیگاه امیر در یکی از استان‌های غربی کشور شناسایی و هفتم دی ماه زمانی که برای کارهای اداری به تهران آمد، در فرودگاه مهرآباد دستگیر شد.

کارمند بانک پس از انتقال به پلیس آگاهی در تحقیقات به این سرقت اعتراف کرد و تحقیقات از او در پلیس آگاهی ادامه دارد.

قتل دختر خردسال به دست مادر

زن جوان در اقدامی جنون‌آمیز دختر يك‌سال و نیمه خود را در شهرستان بیرجند به قتل رساند.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ سیدغلامرضا حسینی، رئیس پلیس آگاهی استان خراسان جنوبی گفت: ساعت ۱۰ صبح پنجشنبه دوازدهم دی امسال، وقوع قتل در یکی از محله‌های شهرستان بیرجند به پلیس گزارش شد. ماموران انتظامی با حضور در آنجا و بررسی‌های اولیه مشاهده کردند که زنی ۲۴ساله بر اثر جنون آتی دختر يك‌سال و نیمه خود را با چاقو به قتل رسانده و حالت روحی مناسبی ندارد.

این زن باداشت و جسد فرزند خردسالش به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات اولیه نشان می‌داد که این زن دیپلمه بوده و به قتل فرزندش اعتراف کرده است، اما هنوز به درستی مشخص نیست او با چه انگیزه‌ای دست به قتل زده است.تحقیقات پلیسی از او ادامه دارد.



اسلام عزیز رشد کرده‌اند و این‌گونه رفتارها باید در جامعه ترویج شود.

همچنین در جلسه‌ای که با حضور مسوولان و رئیس سازمان زندان‌ها در ندامتگاه کرج برگزار شد، حکم آزادی ۶۶ زندانی جرایم غیرعمد به آنها تحویل داده شد.



برادرمان بگذریم. حالا بعد از اعلام گذشت، فضای روستا آرام شده است. گروه دیگر اولیای دم فرزندان حبیب بودند که از خون قاتل پدرشان گذشت کرده‌اند. یکی از پسران حبیب در گفت‌وگو با جام‌جم گفت: پدرم بزرگ طایفه ما بود و برای همین داوطلب نمایندگی شوراها شده بود. بعد از به قتل رسیدن پدرم، قاتل او شناسایی شد و ما از او شکایت کردیم. اما اخیرا عده زیادی برای این که ما را به صلح و سازش راضی کنند به منزل ما رفت و آمد کردند. صحبت‌های زیادی برای حل اختلافات بین دو طایفه زده شد و در نهایت من و هشت خواهر و برادرم تصمیم گرفتیم برای پایان دادن به دشمنی دیرینه باطایفه دیگر، از قاتل پدرمان گذشت کنیم.



بخشش از قصاص از سوی هر دو اولیای دم شد.

برادر قادر در گفت و گو با جام‌جم در مورد بخشش قاتل برادرش گفت: زمانی که برادرم به قتل رسید پدر و مادرم ولی دم پرونده بودند اما بعد از فوت پدرم، من و برادرانم هم ولی دم محسوب شدیم. همه ما از این همه سال اختلاف بین دو طایفه خسته شده بودیم و دلمان می‌خواست به این کینه ادامه ندهیم. در این چند سال بعد از فوت برادرم حتی محکوم به پرداخت دیه به مضروبین حادثه هم شدیم و دیه را پرداخت کردیم. اما برای این که کینه و دشمنی به نسل بعد از ما منتقل نشود، با این که در دادگاه تقاضای قصاص کرده بودیم، تصمیم گرفتیم بی‌قید و شرط از خون

اخاذی خواستگار اینترنتی از دختر دم‌بخت

کردم. بعد از به هم خوردن ارتباطمان و دادن جواب منفی به وی، گوشی‌ام را سرقت و به تمام عکس‌ها، فیلم‌ها و اطلاعات شخصی و خانودگی‌ام دسترسی پیداکرد.

دختر جوان ادامه داد: آزار واذیت متهم از اینجا شروع و چهره واقعی‌اش نمایان شد و از آن پس با ارسال تصاویر و فیلم‌های شخصی‌م مبالغی از من اخاذی کرد. چند بار برای حفظ آبرویم درخواست‌هایش را اجراکردم، ولی هربار درخواست دیگری داشت. حدود پنج میلیون تومان به او پول دادم. ولی دست از اخاذی و مزاحمت برنداشت و مدام از من درخواست پول‌های بیشتری می‌کرد. تا این‌که از من خواست از خودم فیلم تهیه کنم و برایش بفرستم و به محض این‌که اعتراض کردم مرا تهدید به انتشار تمام فیلم‌های خصوصی‌ام کرد. به همین خاطر تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

پس از این شکایات شناسایی مخفیگاه وی در دستور

قاتل پس از ۳۶ روز فرار دستگیر شد

رازگشایی از معمای جسدی در زیر پل

مرد شیشه‌ای که در جریان دعوا با دوستش او را با ضربه‌های چاقو کشته و جسد ملحفه پیچ شده وی را زیر پل رهاکرده بود، بعد از ۳۶ روز فرار در تهران بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روز پنجم آذر امسال یکی از ماموران پلیس با حسن علانی اصل‌تهرین، بازپرس کشیک قتل داد‌سرای جنایی کرج، تماس گرفت و از کشف جسد مردی در بیابان‌های شورقلعه ماهدشت خبر داد. بازپرس جنایی و تیم تحقیق پلیس آگاهی در محل کشف جسد حاضر شده و مشاهده کردند، جسد در زیر پل و به حالت ملحفه پیچ رها شده و به نظر می‌رسید که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و ساعتی از مرگش می‌گذرد. با شناسایی هویت مقتول مشخص شد، او اعتاد شیشه‌ای بوده و بیشتر

جنایت در بوستان چیتگر

پلیس جنایی پایتخت در جست‌وجوی فرد یا افرادی است که کارگری را در بوستان چیتگر تهران با ضربه‌های سنگ کشتند. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، یکی از ماموران کلانتری عوارضی با بازپرس رحیم دشتبان، کشیک قتل داد‌سرای جنایی تهران تماس گرفت و خبر داد که جسد مرد جوانی در بوستان چیتگر پیدا شده که به نظر می‌رسد به قتل رسیده باشد. بررسی‌ها در محل نشان داد که مرد جوان ابتدا بر اثر خفگی به قتل رسیده و بعد عامل با اعمالان جنایت، ضربه‌هایی با سنگ به سر وی زده‌اند که آثار لکه‌های خون روی سر مقتول و نیز سنگی که در کنار وی افتاده بود، وجود داشت. پرونده این جنایت در شعبه دهم بازپرسی داد‌سرای جنایی تهران تشکیل شد. همچنین شواهد نشان می‌داد که هشت ساعت از مرگ او گذشته است. ماموران در ادامه دریافتند مقتول، کارگر یکی از ساختمان‌های در حال احداث در حوالی بوستان چیتگر بوده است. با مشخص شدن این موضوع روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. ماموران به تحقیق از همکاران او در ساختمان در حال احداث پرداختند که مشخص شد، او مدتی بوده در آنجا کار می‌کرده و برای ساعاتی محل کارش را ترک کرده، اما بازگشته است. تحقیقات پلیس برای رازگشایی از این جنایت و دستگیری عامل یا عاملان قتل ادامه دارد.

بخشش ۳ قاتل با تلاش رئیس سازمان زندان‌ها

همزمان با سفر رئیس قوه قضاییه به استان البرز، رئیس سازمان زندان‌ها نیز در ندامتگاه کرج حضور پیدا کرد و سه خانواده را از اجرای حکم قصاص منصرف کرد. به گـزارش جام‌جم، در پایان سفر رئیس قـوه قضاییه به استان البرز، اصغر جهانگیر رئیس سازمان زندان‌ها با حضور در دامتگاه البرز، رضایت شاک‌ی

اختلاف میان دو طایفه منجر به

کشته شدن سه نفر از اهالی روستا

در شهرستان خفر شد. با گذشت

حدود ده سال از ماجرا، خانواده دو

نفر از قربانیان قاتل را بخشیدند تا

به این کینه قدیمی پایان دهند. ضارب یکی از مقتولان شناسایی نشده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اواسط سال ۸۷ درست روز انتخابات شوراها بود که وقوع درگیری خونین در روستای زرجان شهرستان خفرن بین دو طایفه، منجر به کشته شدن دو نفر از اعضای روستا شد.

یعقوب کریمی، عضو شورای روستا در توضیح علت درگیری به خبرنگار جام‌جم گفت: بین دو طایفه بزرگ اهل خفر از سال‌ها قبل بر سر املاک و چاه‌های آب اختلاف و درگیری وجود داشت. روز انتخابات شوراها، دو طایفه مقابل همدیگر قرار گرفتند و این بار شدت نزاع بیشتر از همیشه بود. آن روز یکی از نامزدهای انتخابات که مردی میانسال به نام حبیب بود، بر اثر اصابت گلوله شلیک شده از سوی جوانی که اهل طایفه دیگری بود جان خودش را از دست داد. اما ماجرا به همین جا ختم نشد و فردی از همان طایفه به نام محمود هم بر اثر

اعترافات هولناک بیمار اعصاب و روان

جسد همسرم را ۴۰ تکه کردم



مرد میانسال که بر سر ارثیه پدری خود با همسرش درگیری داشت، او را با دست‌اناش خفه کرد و با دستگاه سنگ فرز و چاقو پیکر او را به ۴۰ تکه تقسیم کرد. متهم بعد از جنایت، تکه‌های بدن همسرش را به گردنه قوچک در لوسانات پرو و در آنجا انداخت. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، عصر سه‌شنبه دهم دی امسال پسر جوانی با حضور در کلانتری قائم با طرح شکایتی اعلام کرد: مادر ۵۰ ساله‌اش برای خرید از خانه بیرون رفته و دیگر برگشته است. سراغ او را از همسایه و

فامیل گرفته، اما هیچ‌کدام خبری از وی نداشتند.

او مشخصات و عکس مادرش را در اختیار پلیس قرار داد و به خانه بازگشت. پسر جوان در ادامه متوجه شد مادرش آن روز گوشی تلفن همراهش را در خانه گذاشته و رفتار پدرش هم بعد از این ماجرا تغییر کرده است؛ به همین علت به صحبت با پدرش پرداخت که او يك روز بعد اعتراف کرد همسرش را کشته است.

پس از اعتراف در ۵۶ ساله، پسرش با پلیس تماس گرفت و راز این جنایت هولناک را فاش کرد.

ماموران کلانتری قائم به خانه مقتول در شهرک محلاتی رفتند که متهم به قتل ادعا کرد بعد از قتل، جسد همسرش را تکه‌تکه کرده و در گردنه قوچک رها کرده است. موضوع به ساسان غلامی، بازپرس کشیک قتل داد‌سرای جنایی تهران گزارش شد و او همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و بررسی صحنه جرم در محل جنایت حاضر شدند. بازپرس جنایی به تحقیق از مرد همسرکش پرداخت که او با اعتراف به قتل همسر میانسالش گفت: من بیمار اعصاب و روان و تحت نظر پزشک هستم. مدتی قبل پدرم فوت شد و ارثیه او را تقسیم کردند. اما همسرم مدام غر می‌زد که سهم ارثیه کمی به من داده‌اند و همین باعث درگیری ما شده بود. این درگیری ادامه داشت تا این‌که ۴۵ روز قبل از این جنایت همسرم با کمک دو مرد مرا به بیمارستان برد و در بخش اعصاب و روان بستری کردند. بعد از ۴۵ روز پزشکان به خاطر این‌که حالم خوب شده بود، مرا مرخص کردند. روز سه‌شنبه دوباره من و همسرم بر سر ماجرای ارثیه پدری دعوایمان شد. پسرانمان در خانه نبودند. با شدت گرفتن این دعوا عصبانی شدم و در حالی که حال و روز خوبی نداشتم، با دست‌انگم گلویش را گرفتم و آنقدر فشار دادم که خفه شد. زمانی که به خودم آمدم، او فوت شده بود. پشیمان شدم و نمی‌دانستم با جسد همسرم چه کنم. کمی گریه کردم، از طرفی می‌ترسیدم بچه‌ها سر ببرند و از طرفی اگر همین طور جسد زنم را از خانه بیرون می‌آوردم، همسایه‌ها متوجه شده و ماجرا لو می‌رفت.

وی افزود: جسد همسرم را به حمام خانه کشاندم و در آنجا حدود يك ساعت طول کشید که با دستگاه فرز و چاقو جسد او را تکه‌تکه کردم. بعد آن تکه‌ها را که به ۴۰ عدد می‌رسید در نایلون‌های سیاه گذاشته و مخفیانه در صندوق عقب خودرویم گذاشتم. خون‌های داخل حمام را شستم تا ردی در آنجا نماند. قبل از این‌که بچه‌ها برگردند همراه جسد تکه‌تکه شده از تهران دور شدم. به سمت گردنه قوچک در لوسانات رفتم و بخشی از نایلون‌ها را که بقایای جسد در آن بود در مسیر گردنه انداختم.

با اعتراف‌های تکان‌دهنده این مرد، ماموران زمانی که انباری خانه را بررسی کردند، چاقویی که رد خون رویش بود را همراه دستگاه سنگ فرز کشف کردند.

در جریان تحقیقات، ماموران جنایی همراه بازپرس ساسان غلامی، متهم به قتل را برای یافتن جسد به گردنه قوچک در لوسانات بردند. آنجا از ساعت ۴ بعداز ظهر چهارشنبه تا ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه همان شب گردنه و اطراف آن را جست‌وجو کردند تا این‌که توانستند بخشی از بقایای جسد مثله شده را پیدا کنند. با هماهنگی قضایی مرد میانسال قرار شد به پزشکی قانونی معرفی و در اداره دهم پلیس آگاهی تهران از او تحقیقات انجام گیرد. همچنین قرار شد تیم تحقیق پلیس دوباره محل را جست و جو کنند تا دیگر بقایای جسد این زن کشف شود. مرد میانسال اکنون به اتهام مباشرت در قتل عمدی و جنایت بر میت در بازداشت به سر می‌برد.